

این سوره در مدینه نازل شده و دارای هجده آیه است.

«حجرات» جمع «حجره» است و چون در آیه چهارم این سوره درباره حجره های خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده، این سوره حجرات نامیده شده است

در این سوره که به سوره آداب نیز شهرت دارد، موضوع های اخلاقی و اجتماعی مهمی مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می شود:

1. آداب برخورد با پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشی نگرفتن بر آن حضرت.

2. دوری از مسخره کردن، نام بد نهادن، سوءظن، تجسس و غیبت.

3. برقراری روابط اجتماعی بر اساس اخوت و برادری، اصلاح ذات البین، بسیج عمومی بر ضد یاغی، میانجی گری عادلانه و دوری از شایعه پراکنی.

4. ارزش گذاری افراد جامعه بر اساس درجات ایمان و تقوای آنان و دوری نمودن از کفر، فسق و گناه.

5. پیروی از پیامبر الهی از روی عشق و آگاهی و دوری از هرگونه منت گذاری به واسطه ی پذیرش اسلام و عمل به دستورات آن.

در این سوره کوتاه، پنج بار خطاب «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» تکرار شده است که بیانگر جایگاه مسائل اخلاقی و روابط اجتماعی در اسلام می باشد و به خوبی نشان می دهد که نحوه ی رفتار مسلمانان با یکدیگر و با رهبران خود، مورد توجه شارع مقدس بوده است.

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ﴿۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! (در هیچ کاری) بر (حکم) خدا و پیامبر او پیشی نگیرید و از خداوند پروا کنید، که خداوند شنوا و دانا است.

نکته ها:

آیه می خواهد مؤمنان را همچون فرشتگان تربیت کند، زیرا قرآن درباره ی آنها می فرماید: در سخن بر خدا سبقت نمی گیرند و تنها طبق دستور او عمل می کنند.

* موارد تقدّم و پیشی گرفتن بر پیامبر شامل نهی از انواع پیش افتادن ها در امور عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیر آن در گفتار و کردار می گردد.

* خداوند از تقدّم بر رهبر جامعه اسلامی به شدت نهی نموده است، زیرا کسی که در کارهایش از خدا و پیامبر پیشی می گیرد، در مدیریت نظام اسلامی خلل وارد کرده و جامعه را به هرج و مرج می کشاند و در حقیقت نظام قانون گذاری را بازپچه تمایلات خود قرار می دهد.

1. در عید قربان، گروهی قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله قربانی کردند، به آنان گفته شد: «لَا تَقَدَّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ»

2. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گروهی را برای تبلیغ نزد کفار فرستاد. کفار نمایندگان پیامبر را کشتند و تنها سه نفر توانستند فرار کنند. این سه نفر در مسیر بازگشت دو نفر از کفار قبیله ی بنی عامر را به انتقام کشته شدن دوستان خود کشتند، در حالی که آن دو نفر بی تقصیر بودند. قرآن آنان را به خاطر این عمل خودسرانه توبیخ کرد که چرا بدون دستور پیامبر دست به این عمل زدید؟ [۳] «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

3. قوم بنی تمیم از پیامبر صلی الله علیه و آله امیر و حاکم خواستند. خلیفه ی اول و دوم هر کدام شخصی را پیشنهاد کردند و با هم مشاجره می کردند که کاندیدای من بهتر است، آیه نازل شد: «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ... وَ لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ»

4. امام معصوم علیه السلام به شخصی فرمود: این دعا را بخوان: لا اله الا الله... تا آنجا که می فرماید: «یحیی و یمیت» شنونده از پیش خود جمله ای اضافه کرد و گفت: «و یمیت و یحیی» حضرت فرمودند: جمله ی تو صحیح است، اما آنچه من می گویم بگو و سپس آیه ی «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» را برای او تلاوت فرمودند. [۵]

5. بعضی اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواب و خوراک و آمیزش با همسر را بر خود حرام کردند. حضرت ناراحت شده و مردم را جمع کرده و فرمودند: من خودم غذا می خورم، می خوابم و با همسرم زندگی می کنم. راه و روش و سیره ی زندگی من این است، پس هرکس از این راه پیروی نکند، از من نیست. «فمن رغب عن سنتی فلیس منی» [۶]

6. با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ازدواج موقت را شرعی و قانونی اعلام فرمودند، اما خلیفه ی دوم آن را حرام کرد. این خود، نوعی پیش افتادن از پیامبر صلی الله علیه و آله است که در این آیه از آن نهی شده لا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

7. در سال هشتم هجری که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای فتح مکه از مدینه حرکت کردند، بعضی از مسلمانان در این سفر روزه خود را افطار نکردند، با این که می دانستند مسافر روزه ندارد و می دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله افطار کرده است. اینها در واقع از پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی گرفتند.

پیام ها:

- 1- پیش از درخواست و دستور به کاری، باید ابتدا زمینه های روانی پذیرش را در مخاطب ایجاد کرد. جمله ی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به مؤمنان شخصیت می دهد و رابطه ی آنان با خدا را که زمینه ی انجام دستور است، بیان می کند.
- 2- حرام کردن حلال خداوند و یا حلال کردن حرام ها، نوعی پیشی گرفتن بر خدا و رسول است. لا تُقَدِّمُوا...
- 3- هرگونه بدعت و جعل قانون در برابر قانون الهی ممنوع است. لا تُقَدِّمُوا...
- 4- حکم رسول، حکم خداست و بی احترامی به او بی احترامی به خداست. «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»
- 5- پیشی گرفتن از خدا و رسول، بی تقوایی است. لا تُقَدِّمُوا... وَ اتَّقُوا
- 6- کسانی که به خاطر سلیقه های شخصی یا آداب اجتماعی، بر خدا و رسولش پیشی می گیرند، از ایمان و تقوا دور شده اند. لا تُقَدِّمُوا... وَ اتَّقُوا

7 = ایمان به حضور و آگاهی خداوند، زمینه پرهیز و خداترسی می گردد. «وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

آیه ۲ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ای کسانی که ایمان آورده اید! (در گفتگو با پیامبر) صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید و آن گونه که با یکدیگر بلند گفت و گو می کنید، با پیامبر بلند سخن مگویید! مبادا (به خاطر این بی ادبی)، اعمالتان نابود شود و شما آگاه نشوید. نکته ها:

* در این آیه، از بلند کردن صدا در حضور پیامبر در گفتار و سخن گفتن در آیه ی ۶۳ سوره ی نور نیز سفارش شده که پیامبر را مانند خود صدا نزنید، بلکه با احترام و مؤدبانه نام ببرید.

* حفظ عمل، مهم تر از خود عمل است. اعمال ما گاهی از اول خراب است، چون با قصد ریا و خودنمایی شروع میشود، گاهی در وسط کار به خاطر عجب و غرور از بین می رود و گاهی در پایان کار به خاطر بعضی از اعمال حبط می شود. به همین جهت قرآن می فرماید: هر کسی عمل خود را تا قیامت بیاورد و از آفات بیمه کند، ده برابر پاداش داده می شود «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتَالِهَا» [۷] و نمی فرماید: هر کس عملی را انجام دهد، ده برابر پاداش دارد. زیرا میان انجام عمل در دنیا و تحویل آن در قیامت، فاصله ی زیادی است.

چنانکه در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای هر ذکری، درختی در بهشت کاشته می شود، شخصی گفت: پس ما در بهشت درختان زیادی داریم! حضرت فرمود: بله، ولی گاهی گناه و اعمالی از شما سر می زند که آن درختان را می سوزاند. سپس آیه فوق را تلاوت فرمود [۸]

* قرآن، حبط اعمال را، یک جا برای کفر و شرک آورده و یک جا برای بی ادبی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس کیفر بی احترامی به پیامبر، هم وزن کیفر کفر و شرک است.

* یکی از یاران پیامبر که در حضور پیامبر بلند سخن گفته بود، هنگامی که شنید صدای بلند او سبب از بین رفتن و نابودی کارهای خوب او می شود، بسیار ناراحت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صدای بلند تو برای خطابه و سخنرانی بود و حساب تو از دیگران جداست. [۹]

*** (مهم) برخی اعمال آثار و وضعی دارد و آن آثار وابسته به دانستن یا ندانستن نیست آن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ *** اگر انسان مایعی سمی بخورد مسموم می شود، گرچه گمان کند آب است. اگر به سیم برق دست بزنیم، دچار برق گرفتگی می شویم، گرچه گمان کنیم برق ندارد. برخی گناهان، سبب پیدایش قحطی، زلزله، کوتاه شدن عمر، ذلت و خواری می شود، گرچه خود انسان از عامل پیدایش این آثار خبری نداشته باشد.

*** گرچه بلند کردن صدا در مقابل پیامبر بی ادبی به پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر مقام والای آن حضرت، سبب حبط اعمال می شود، ولی قرآن به ما سفارش کرده که نسبت به همه ی مردم ادب را رعایت کنیم و آرام سخن بگوییم. چنانکه لقمان علیه السلام به فرزندش می گوید: «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» صدای خود را فرو گیر و آرام سخن بگو. سپس صداهای بلند را به صدای الاغ تشبیه کرده است: «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» [۱۰] گاهی انسان ندانسته تیشه به ریشه خود می زند. «ان تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»

انَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَسْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِتَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ» ۳
 همانا کسانی که نزد پیامبر (از روی ادب و احترام) صدایشان را پایین می آورند، آنان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای (پذیرش) تقوا آزمایش (و آماده) کرده و آمرزش و پاداش بزرگ مخصوص آنها است.

*** «غض» به معنای پایین آوردن و کوتاه کردن است. این واژه در قرآن، هم در مورد کوتاه کردن صدا به کار رفته و هم در مورد کوتاه کردن نگاه؛ مانند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

*** آهسته سخن گفتن، نشانه‌ی ادب، تواضع، وقار شخص است. عرفا می گویند ادب شما نشانه شخصیت شماست
 آیه می فرماید: خداوند دل‌های افراد را آزمایش می کند، تا میزان پاکی و تقوای آنها آشکار شود (زیرا افراد ریاکار ظاهراً ادب و تواضع می کنند، ولی در درون متکبرند)

***** این آیه، ادب سخن گفتن با پیامبر را بیان می کند لذا برای سخن و گوینده سخن ادابی بیان کردند :

1. سخن باید واقعی و حقیقی باشد. «بِنَبِيٍّ يَقِينٍ»
- * ۲- گفتار بایستی دل پسند باشد. «الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»
3. سخن باید رسا و شفاف باشد. «قَوْلًا بَلِيغًا»
- * ۴- بعضی از گفتار باید نرم بیان شود. «قَوْلًا لَيِّنًا»
- 5- سخن باید بزرگووارانه بیان شود. «قَوْلًا كَرِيمًا»

۶- گفتار باید همراه با کردار باشد و گرنه قابل سرزنش است. «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» ---

***** آیه ۴ و ۵ = إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

همانا کسانی که از پشت حجره ها تو را می خوانند، اکثرشان تعقل نمی کنند. و اگر صبر کنند تا به سوی آنان خارج شوی، قطعاً برایشان بهتر است و خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته ها:

*** ابن عباس به خانه ی استادش می رفت، ولی در خانه را نمی زد و صبر می کرد تا خود استاد بیرون بیاید. از او پرسیدند: چرا در نمی زنی؟ و او در پاسخ این آیه را تلاوت می کرد: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ»
 اگر مردم صبر کنند تا تو از خانه خارج شوی برای آنان بهتر است.

* حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لا عقل لمن لا أدب له» کسی که ادب ندارد، در واقع عاقل نیست.

پیام ها: ***** 1- معمولاً بی ادبی نشانه ی بی خردی است. لا يَعْقِلُونَ

۲- خانه و خانواده، حریم دارد و دیگران حق مزاحمت برای آن ندارند، حتی با صدا زدن آنان از بیرون خانه.

۳- به برنامه ها و اوقات فراغت دیگران احترام بگذاریم. پیامبر نیز به آرامش و استراحت نیاز دارد و نباید مردم هر لحظه مزاحم او شوند. لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا...

۴- در برابر افراد بی ادب، از باب رحمت و مهربانی وارد شویم و آنان را مأیوس نکنیم. چون خداوند مغفرت و رحمت خود را مطرح می کند تا یکسره مأیوس نشوند و فرصت تغییر رفتار داشته باشند. لَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا ... وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

*** آیه ۶=یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسقٌ بنياً فتبیینوا ان تَصیبوا قوماً بجهاله فتصیحوا علی ما فعلتم نادمین ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده ی خود پشیمان شوید. نکته ها:

پیامبر شخصی (ولیدبن عقبه) را برای جمع آوری زکات از قبیله بنی مطلق اعزام داشت، اما از آنجا که میان او و این قبیله در دوران جاهلیت، خصومتی شدید بود، هنگامی که اهل قبیله به استقبال او می آمدند، گمان کرد که به قصد کشتن او آمده اند. لذا جلوتر نرفت و نزد پیامبر بازگشت و خبر داد که مردم از پرداخت زکات خودداری کرده اند. پیامبر از این خبر ناراحت شد تصمیم گرفت آنان را گوشمالی دهد. آیه فوق نازل شد و در مورد خبر فاسق دستور تحقیق داد. سؤال: فرق بین تحقیق با تجسس؟

*** پاسخ: آنجا که تجسس حرام است، درباره ی رفتار شخصی مردم است ولی تحقیق موردی است که به جامعه مربوط است و می خواهیم بر اساس آن، اقدام و عملی انجام دهیم
فسق چیست و فاسق کیست؟

*** فسق «در لغت به معنای خارج شدن است * و در اصطلاح قرآنی، خارج شدن از راه مستقیم
*** این کلمه در برابر عدالت به کار می رود و فاسق به کسی گویند که مرتکب گناه کبیره ای شود و توبه نکند.

واژه «فسق»، در قرآن :

1. در مورد انحراف های فرعون و قوم او: «إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»
2. در مورد افراد چند چهره و منافق: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»
3. در مورد کسانی که طبق قانون الهی داوری و قضاوت نمی کنند: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»
5. -در مورد کسانی که وظیفه ی مهم امر به معروف و نهی از منکر را رها می کنند:
- 7 -در مورد گناهان علنی و انحرافات جنسی
- ۸ - در مورد بهره گیری از غذاهای حرام: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ ... ذَلِكَمُ فَسْقٌ

د) امام صادق علیه السلام به کسی که خبرهای دروغی را به پدرش امام باقر علیه السلام نسبت می داد، لعنت کردند و فرمودند: هر چه از ما شنیدید، اگر شاهد و گواهی از قرآن یا سایر سخنان ما بر آن پیدا کردید، بپذیرید و گرنه نپذیرید! پیام ها:

- 1- افراد مؤمن باید اهل تحقیق و بررسی باشند، نه افرادی زودباور و سطحی نگر.
- ۲ - همه ی اصحاب پیامبر عادل نبوده اند، بلکه در میان آنان افراد فاسق و منافق نیز بوده اند.
- 3- اصل در اسلام، اعتماد به مردم است، اما حساب کسی که فسق او بر همه روشن شد، از افراد عادی جداست.
- ۴ - یکی از اهداف خبرگزاری های فاسق، ایجاد فتنه و بهم زدن امنیت نظام است. «أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالِهِ»

وَاعْلَمُوا أَن فَيْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» ۷»

و بدانید که در میان شما رسول خداست که (شما باید از او پیروی کنید و) اگر او در بسیاری از امور پیرو شما باشد، قطعاً به سختی و مشقت خواهید افتاد، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داده و در دلهایتان آن را زینت بخشیده است و کفر، فسق و گناه را مورد تنفر شما قرار داده است. آنها همان رشد یافتگان هستند.

*** فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَ نِعْمَةً وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (۸) «این علاقه به ایمان و تنفر از کفر، فضل و نعمتی بزرگ از طرف

نکته ها:

خداوند است و خداوند آگاه و حکیم است.

* در ذیل آیه قبل خواندیم که ولید بن عقبه به دروغ، خبر مخالفت مردم با پرداخت زکات را به پیامبر صلی الله علیه و

آله داد. مردم آماده هجوم شدند که آیه نازل شد: هرگاه فاسقی خبری آورد تحقیق کنید.

اصولاً مردم باید تابع پیغمبر باشند، نه آنکه رهبر الهی تابع هیجان های ناپخته ی افراد فاسق قرار گیرد.

اولئک هم الراشدون : یعنی آنان همان رشد یافتگانند « رسیدن به رشد و کمال، هدیه ی الهی به انبیاست؛

رشد : الف) معنوی = ب) مادی

ابزار رشد عبارتند از: ۱- ایمان « وَ لِيُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره ۱۸۶) ۲- کتب آسمانی «يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» « جن ۲»

۳ - مؤمنان واقعی اهل رشد معرفی شده اند. «أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»

البته بنا به دستور قرآن اولاً رشد معنوی باشد و ثانیاً رشد واقعی باشد نه رشد کاذب . قرآن در باره فرعون می فرماید :

«وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ» «هود ۹۷»

اگر تصمیم گیرنده امام معصوم یا شخص عادل باشد، زمینه ی رشد فراهم است. «أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»

*** پیام ها: 1- اگر می خواهیم پیشیمان نشویم باید به تعالیم انبیا مراجعه کنیم.

2- حضور پیامبر و رهبران الهی، امتیاز خاصی برای جامعه است. «فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ»

3- مشورت کردن پیغمبر با مردم مانعی ندارد، اما اطاعت پیامبر از مردم انتظاری نایجاست.

۴ - مشکلات جامعه عمل به سلیقه ها و هوسهای شخصی است.

۵ - رهبر جامعه اسلامی باید استقلال رأی داشته باشد.

6 - ایمان، باید زینت دلها بشود «وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ»

۷ - آفات ایمان؛ کفر، فسق و عصیان است. حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ ... كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ

می فرماید: اگر خداوندایمان را محبوب دل‌هایشان کرد و کفر و فسوق و عصیان را مورد نفرتشان قرار داد، نعمتی بود که به ایشان ارزانی داشت،

آیه ۹

****وَ إِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

و اگر دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ پرداختند، پس میان آنان صلح و آشتی برقرار کنید. سپس اگر یکی از دو گروه بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به فرمان خداوند بازگردد. پس اگر متجاوز بازگشت (و دست از تجاوز برداشت)، میان آن دو گروه به عدالت صلح برقرار کنید و عدالت ورزید که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

**** نکته ها: ****

* این آیه، آیه ای است که برای تلاوتش دو دست قطع شد. در جنگ جمل، هر چند حضرت علی علیه السلام مخالفان را از جنگ نهی فرمود، اما طرفداران عایشه گوش ندادند سپس قرآن را به دست گرفت و فرمود: کیست که آیه «وَ إِن طَائِفَتَانِ را برای مردم بخواند؟

شخصی به نام مسلم مجاشعی گفت: من این آیه را با صدای بلند می خوانم. امام فرمود: دستان تو را قطع و تو را شهید خواهند کرد. گفت: «هذا قليل في ذات الله» شهادت من در راه خدا چیزی نیست
 آنگاه قرآن را به دست گرفت و در برابر لشکر عایشه ایستاد و مردم را به ایمان به خدا دعوت کرد تا شاید خونی ریخته نشود و جنگی صورت نگیرد، اما آنان بر او حمله کردند و دست راست او را قطع کردند، قرآن را به دست چپ گرفت، دست چپ او را نیز جدا کردند، قرآن را به دندان گرفت، سرانجام این تلاوت کننده قرآن را به شهادت رساندند.
 که حضرت علی علیه السلام مجبور به جنگ شد

**** عدالت **** در این آیه، سه بار سخن از برقراری صلح و اصلاح میان مردم بر اساس عدالت به میان آمده است:
 آفرینش بر اساس حق و عدل است. پیامبر اسلام: «بالعدل قامت السموات والارضاً سمانها و زمین، با عدالت، پا برجاست
 **** بعثت انبیا برای آن بوده است که مردم به عدالت قیام کنند. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» حدید ۲۵

* لازمه تحقق عدالت، قانون و قانون مداری است و بی عدالتی مرادف قانون گریزی است. اما کدام قانون؟
 **** کسیکه قانون می گذارد باید به قاون عمل کند

مشکلات قوانین امروزی ۱- هر روز در حال تغییر و تحول هستند، ۲- در آنها منافع افراد و احزاب نهفته است
 ۳- از افکار ناپخته و اطلاعات محدود و تحت تأثیر تهدیدها، تطمیع ها و هوسهای وضع شده است؟
 ۴- مهم تر از همه قانون گذارش انواع قانون گریزی ها دارد و خود به آن عمل نمی کند؟

- * ۱- مسلمانان در برابر یکدیگر مسئولند و بی تفاوتی در برابر درگیری ها پذیرفته نیست. «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا مِثْلَ فَاكْحُو* ۲ = برای آشتی دادن و برقراری صلح میان مسلمانان، باید با سرعت و بدون تأخیر قیام کنیم).
- ۳- اگر یکی از دو گروه درگیر، یاغی گری کرد، امت اسلامی باید بر ضد او بسیج شود. فَإِنْ بَغَتْ ... فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي
- ۴ در سرکوب یاغی، مسامحه نکنیم. «فَقَاتِلُوا»
- ۵- جنگ و قتال در اسلام، هدف مقدس دارد.
- ۶ - - در مبارزات اسلامی، هدفهای شخصی، قومی، حزبی، یا انتقام، خودنمائی مطرح نیست، بلکه هدف، برگشتن یاغی به راه خداست. «حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ
- ۷ - وظیفه مسلمانان؛ گاهی اصلاح است و گاهی جنگ. (هم کلمه «اصلحوا» آمده است و هم کلمه «قاتلوا»)
- ۸ - صلح وقتی ارزش دارد که حق به صاحبش برسد و گرنه سازش ذلت بار، مرگ آفرین است.
- *** آیه ۱۰ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
- همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. *** نکته ها ***
- *** رابطه مؤمنان با یکدیگر مانند رابطه ی دو برادر است به چند دلیل:
- ۱- دوستی دو برادر، عمیق و پایدار است.
- ۲- دوستی دو برادر، متقابل است، نه یکطرفه ---
- ۳- دوستی دو برادر، بر اساس فطرت و طبیعت است.
- ۴- دو برادر در برابر بیگانه، یگانه اند و بازوی یکدیگر.
- ۵- اصل و ریشه دو برادر یکی است.
- ۶- در شادی او شاد و در غم او غمگین است.
- * طرح برادری و اخوت، از ابتکارات اسلام است. در صدر اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه ۷۴۰ نفر در منطقه «نُخَيْلَه»، حضور داشتند که جبرئیل نازل شد و فرمود: خداوند میان فرشتگان عقد برادری بسته است، حضرت نیز میان اصحابش عقد اخوت بست. مثلاً: ابوبکر با عمر، عثمان با عبدالرحمن، سلمان با ابوذر، طلحه با زبیر، مصعب با ابویوب انصاری، حمزه با زیدبن حارثه، ابودرداء با بلال، جعفر طیار با معاذبن جبل، مقداد با عمار، عایشه با حفصه، ام سلمه با صفیه و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام عقد اخوت بستند.
- * دوستی و برادری باید تنها برای خدا باشد. قرآن می فرماید: در قیامت، دوستان با هم دشمن می گردند جز متّقین.
- * آنچه مهم تر از گرفتن برادر است، حفظ برادری است.
- * امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک جسد که اگر بخشی از آن بیمار گردد، همه ی بدن ناراحت است
- حقوق برادری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد، از جمله:

۱. عفو و مهربانی به او، ۲. پنهان کردن اسرار او، ۳. جبران اشتباهات او، ۴. قبول عذر او، ۵. دفاع در برابر بدخواهان او
۶. خیرخواهی نسبت به او، ۷. عمل به وعده هایی که به او داده، ۸. عیادت به هنگام بیماری او، ۹. تشییع جنازه او،
۱۰. پذیرفتن دعوت و هدیه ی او، ۱۱. پاداش دادن به هدایای او، ۱۲. تشکر از خدمات او، ۱۳. کوشش در یاری رسانی به او،

**** اسلام برای اصلاح میان مردم، احکام ویژه ای قرار داده است، از جمله:

۱. دروغ که از گناهان کبیره است، مگر بخاطر آشتی و اصلاح، جرم و گناهی ندارد. «لا کذب علی المصلح» [بخارج، ج ۶۹، ص ۲۴۲]

۲. شکستن سوگند حرام است، اما، اسلام شکستن این سوگند را بخاطر آشتی و سوگند مجاز است.

4 - عمل به وصیت، واجب و ترک آن حرام است، اما اگر میان افرادی فتنه و کدورت می آورد، اسلام اجازه می دهد که

وصیت ترک شود **** پیام ها ****

1 - رابطه برادری، در گرو ایمان است «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»

۲ - برادری بر اساس ایمان، مشروط به سن، شغل، سواد و درآمد نیست.

۳ - هیچکس، خود را برتر از دیگران نداند. «إِخْوَةٌ»

۴ - جلوگیری از نزاع و برقراری صلح، وظیفه ی همه است، «فَأَصْلِحُوا»

۵ - اصلاح کننده خود را برادر آنها بدانند. «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ»

۶ - صلح و صفا، مقدمه ی نزول رحمت الهی است. «فَأَصْلِحُوا ... تَرْحَمُونَ»

9- جامعه بی تقوا، از دریافت رحمت الهی محروم است. «اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

**** آیه ۱۱ ****

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا

تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید! مبدا گروهی (از شما) گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره شدگان بهتر از مسخره کنندگان باشند و زنان نیز، زنان دیگر را مسخره نکنند، شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب های بد نخوانید. **** نکته ها ****

**** تلمزوا یعنی عیب جویی در روبرو و «همز» یعنی عیب جویی پشت سر «لاتنابزوا» نام بردن دیگران با لقب بد

**** یکی از برکات عمل به دستورات اسلام، سالم سازی محیط و جلوگیری از درگیری های اجتماعی است.

**** استهزا و مسخره کردن، در ظاهر یک گناه، ولی در باطن چند گناه است؛ همچون

تحقیر، خوار کردن، کشف عیوب، اختلاف افکنی، غیبت، کینه، فتنه، تحریک، انتقام و طعنه به دیگران

**** ریشه های تمسخر // ۱ - ثروت «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ» [همزه] وای بر کسی

که به خاطر ثروتی که اندوخته است، در پیش رو یا پشت سر، از دیگران عیب جویی می کند.

2 - علم و مدرک تحصیلی است که قرآن درباره این گروه می فرماید: «فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا

بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ» [۱۰۲] [آنان به علمی که دارند شادند و کیفر آنچه را مسخره می کردند، ایشان را فرا گرفت.

3 - توانایی جسمی است. کفار می گفتند: «مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً» [فصلت ۱۵] 4 - گاهی به بهانه تفریح و سرگرمی است

۵ - گاهی بخاطر جهل و نادانی است

- ۱- ایمان، با مسخره کردن دیگران سازگار نیست.
- ۲- مسخره، کلید فتنه و دشمنی است.
- ۳- ما از باطن مردم آگاه نیستیم، نباید ظاهرین، سطحی نگر باشیم.
- ۴- عیب جوئی از مردم، در حقیقت عیب جوئی از خود است. «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ»
- ۵- بیان عیب دیگران، عامل کشف عیوب خود است. «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ»
- ۶- مسخره کردن، گناه کبیره است و توبه لازم دارد. «وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

آیه ۱۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمان ها دوری کنید، زیرا بعضی گمان ها گناه است. (در کار دیگران) تجسس نکنید و بعضی از شما دیگری را غیبت نکند، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (هرگز) بلکه آن را ناپسند می دانید و از خدا پروا کنید، همانا خداوند بسیار توبه پذیر مهربان است.

نکته ها:

****** آیه نهم این سوره، برای امنیت و حفظ جان مردم، مبارزه با یاغی است، این آیه نیز برای حفظ آبروی مردم ؛ ...
سوء ظن، تجسس و غیبت را حرام کرده است.

******* هیچ گناهی مثل غیبت به درندگی بی رحمانه تشبیه نشده است. *

(((اقسام سوء ظن و بدگمانی)))

۱ - سوء ظن به خدا : حدیث : کسی که از ترس خرج ومخارج زندگی ازدواج نمی کند، در حقیقت به خدا سوء ظن دارد؛

2 - سوء ظن به مردم

۳ - سوء ظن خوب سوء ظن به خود است ، که مورد ستایش است. زیرا انسان نباید به خود حسن ظن داشته باشد .. /

چون کسیکه نسبت به خود خوش بین شد، هرگز ترقی نمی کند حضرت علی علیه السلام در خطبه همام می فرماید:
یکی از صفات متقین اینکه نسبت به خودشان سوء ظن دارند.

****** غیبت آن است که انسان در غیاب شخصی چیزی بگوید که مردم از آن خبر نداشته باشند و اگر آن شخص بشنود، ناراحت شود.

****** امام صادق علیه السلام فرمود: غیبت کننده اگر توبه کند، آخرین کسی است که وارد بهشت می شود و اگر توبه

نکند، اولین کسی است که به دوزخ برده می شود. [مستدرک، ج ۹، ص ۱۱۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس زن یا مردی را غیبت کند، تا چهل روز نماز و روزه اش پذیرفته نمی

شود. [بحار، ج ۷۲، ص ۲۵۸

* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت هنگامی که نامه ی اعمال انسان به دست او داده می شود، عده ای می گویند: چرا کارهای خوب ما در آن ثبت نشده است؟ به آنها گفته می شود: خداوند، نه چیزی را کم و نه چیزی را فراموش می کند، بلکه کارهای خوب شما به خاطر غیبتی که کرده اید از بین رفته است. در مقابل افراد دیگری، کارهای نیک فراوانی در نامه ی عمل خود می بینند و گمان می کنند که این پرونده از آنان نیست، به آنها می گویند: به واسطه ی غیبت شدن، نیکی های کسی که شما را غیبت کرده، برای شما ثبت شده است. [بحار، ج ۷۲، ص ۲۵۹]

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر کسی غیبت کند، روزه ی او باطل است.

تشبیه غیبت به خوردن گوشت برادر مؤمن: اگر از بدن انسان زنده قطعه ای جدا شود، امکان پر شدن جای آن هست، ولی اگر از مرده چیزی کنده شود، جای آن همچنان خالی می ماند. غیبت، بردن آبروی مردم است و آبرو که رفت دیگر جبران نمی شود. » ((جبران غیبت))

در صورتی که غیبت شونده زنده است؛ اگر به او بگوییم که ما غیبت تو را کرده ایم ناراحت می شود، به گفته بعضی مراجع تقلید نباید به او گفت، بلکه باید بین خود و خداوند توبه کرد و اگر امکان دسترسی به شنوندگان غیبت است، به گونه ای با ذکر خیر و تکریم آن فرد، تحقیر گذشته را جبران کنیم و اگر غیبت شونده ناراحت نمی شود، از خود او حلالیت بخواهیم؛ اما اگر غیبت شونده از دنیا رفته است، باید توبه کرده و از درگاه خداوند عذرخواهی کنیم که البته خداوند توبه پذیر و بخشنده است.

*** موارد جواز غیبت *** در مواردی، غیبت کردن جایز است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

- ۱- هنگام مشورت در کارهای مهم؛ اگر شخصی در مورد ازدواج و گزینش و مسئولیت دادن و... مشورت خواست،
 - ۲- برای ردّ سخن و عقیده باطل اشخاصی که دارای چنین اعتقاداتی هستند، نقل سخن و عیب سخن آنها جایز است،
 - ۳- برای گواهی دادن نزد قاضی،
 - ۴- برای اظهار مظلومیت و بیان کردن ظلم ظالم
 - ۵- کسیکه بدون حیا و آشکارا گناه می کند.
 - ۶- برای ردّ ادعاهای بی مورد مثل کسی که می گوید: من مجتهدم، دکترم، سیدم، در حالیکه اهل این صفات نیست
- *** در آیه ی ۳۶ سوره اسراء می خوانیم: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» هر یک از گوش و چشم و دل انسان، در قیامت مورد بازخواست قرار می گیرند.

*** پیام ها: 1- ایمان، تعهدآور است و باید از بعضی افکار و اعمال دوری کنیم.

2- در جامعه ی ایمانی، اصل بر اعتماد، کرامت و برائت انسان ها است.

۳- برای جلوگیری از غیبت باید زمینه های غیبت را مسدود کرد. (راه ورود به غیبت، اول سوء ظن و سپس پیگیری و تجسس است، لذا قرآن به همان ترتیب نهی کرده است.) «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ... لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبُ گناه، گرچه در ظاهر شیرین و دلنشین است، ولی در باطن تنفرآور است. «يَأْكُلُ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (باطن غیبت، خوردن گوشت مرده است و درباره هیچ گناهی این نوع تعبیر بکار نرفته است.

يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، همانا خدا دانای خبیر است.

نکته ها:

** در این آیه به سه اصل مهم اشاره شده است: اصل مساوات در آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در ویژگی های بشری و اصل این که تقوا ملاک برتری است. پیام ها:

1 - مرد یا زن بودن، یا از فلان قبیله و قوم بودن، ملاک افتخار نیست

۲- تفاوت هایی که در شکل و قیافه و انسان ها دیده میشود، حکیمانه و برای شناسائی یکدیگر است، نه برای تفاخر.

۳ - قرآن، تمام تبعیض های نژادی، حزبی، قومی، قبیله ای را مردود می شمارد و ملاک فضیلت را تقوا می داند

***** آیه ۱۴ *****

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آن اعراب بادیه نشین گفتند: ما ایمان آورده ایم، به آنان بگو: شما هنوز ایمان نیاورده اید، بلکه بگوئید: اسلام آورده ایم و هنوز ایمان در دل های شما وارد نشده است و اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، خداوند ذره ای از اعمال شما کم نمی کند. همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

*** تفاوت اسلام با ایمان ***

1 - تفاوت در عمق : اسلام، رنگ ظاهری است، ولی ایمان تمسک قلبی است

۲ - تفاوت در انگیزه = گاهی اسلام آوردن، رسیدن به منافع مادی است، ولی انگیزه ی ایمان حتماً معنوی است.

۳ - تفاوت در عمل = اظهار اسلام، بدون عمل ممکن است، ولی ایمان باید همراه عمل باشد، در حدیث می خوانیم

: «الایمان اقرار و عمل و الاسلام اقرار بلاعمل» [بنابراین در ایمان، اسلام نهفته است، در اسلام ایمان نهفته نیست.

در حدیث دیگری، اسلام، به مسجد الحرام و ایمان به کعبه تشبیه شده که در وسط مسجد الحرام قرار گرفته است.

***** پیام ها:

۱- به هر ادعا و شعاری گوش ندهیم. «و قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا

۲ - اسلام، امری ظاهری است، ولی ایمان، به دل مربوط است. «و لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ

۶- راه رسیدن به ایمان، اطاعت عملی است، نه ادعای زبانی.

۷ - اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار اطاعت از خدا آمده است و این نشانه ی عصمت پیامبر است که باید او را بدون

چون و چرا اطاعت کرد. «إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ»

۸- اطاعت از خدا و رسول، زمینه دریافت بخشش و رحمت الهی است. ... إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیه ۱۴)) اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ مؤمنان، تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده و دچار تردید نشدند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند. اینانند که (در ادعای ایمان) راستگویند.

1- قرآن، هم ملاک و معیار کمال را بیان می کند، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و هم الگوهای کامل را نشان می دهد. اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... .

در برابر خداوندی که همه چیز را می داند، ادعا و تظاهر نداشته باشیم.

3- خداوند، هم به وجود اشیا و هم به خصوصیات هر چیزی آگاه است يَعْلَمُ ... وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

آیه ۱۵ - يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ آنان بر تو منت می گذارند که اسلام آورده اند. بگو: اسلام آوردنتان را بر من منت نگذارید، بلکه این خداوند است که بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت کرد، اگر راست می گوید.

نکته ها:

**بعضی از مسلمانان مثل طائفه بنی اسد، اسلام آوردن خود را منتی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می دانستند و می گفتند: ما به اسلام روی آوردیم و تو باید قدرشناس ما باشی.

** خداوند، نعمت ایمان را در این آیه و، فرستادن انبیا را در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران و در سوره قصص آیه ۵ وارث کردن مستضعفان را منت خود بر مردم شمرده است و این نشان می دهد که مهم ترین نعمت ها، نعمت هدایت الهی، رهبری معصوم و حکومت حق می باشد.

پیام ها:

1- هدایت شدن به اسلام و پذیرش اسلام، نعمت بزرگ الهی و منتی از جانب خداست.

2- خداوند به اسلام و ایمان و عبادت ما احتیاج و نیازی ندارد.

3- منت نهادن بر پیامبر، در حقیقت منت گذاردن بر خداست.